

آیا ما به تو سخن گفتن نیاموختیم؟

احمد عبدالقیان ادر ادامه مرور سوره های قرآن کریم به سوره مبارک بلد(شهر) رسیدیم و آیات یک تا ۷ آن را باهم تلاوت کردیم. خداوند متعال در آیات ۸ تا ۱۰ این سوره می فرماید: **اَلَمْ نَجْعَلْ لَّهٗ عَیْنِیْنَ ۚ وَّلَسْنَا وَهَّیْنَاهُ الْجَحْدِیْنَ**: آیا برای او دو چشم قرار ندادیم و یک زبان و دو لب و دو راه [خیر و شر] را به او ننمایانددیم؟

در آیه قبل خواندیم که انسان گمان می کند احدی او را نمی بیند، به همین سبب در این آیات، یادآوری می کند که آیا ما برای انسان دو چشم، یک زبان و دو لب قرار ندادیم؟ چگونه انسان می بیند و سخن می گوید ولی خیال می کند دیده نمی شود و اعمال او سنجیده نخواهد شد؟ مهم تر از آن، اینکه آیا راه درست و غلط به انسان نشان داده نشده است که هنوز تردید دارد؟ راه شر را بیشتر انتخاب می کند و پیمودن راه خیر برای او دشوار است؟ دو چشم درکنار هم مسافت و فاصله و عمق اشیا را تخمین می زنند و زبان و لب باهم کلمه را می سازند و بدون همکاری آن ها نمی توان سخن گفت، اما چشم و زبان و لب، هم می توانند ابزار خیر باشند و هم ابزار شر و خداوند هر دو راه را به ما نشان داده است. در اینجا راه خیر و شر به راهی که در ارتفاعات است، تشبیه شده است و شاید برای آن باشد که پیمودن راه خیر به خاطر مبارزه با هوس ها و پیمودن راه شر به سبب عواقب تلخ آن همچون عبور از راهی مرتفع و سخت است. در آیات بعد، مصادیق راه خیر وشر بیان می شود تا مشخص شود که این مسیر برای انسان آشکار است و می تواند تصمیم بگیرد که به کدام طرف حرکت کند.

حکمت

میراثی برای گفتوگو، نه شکاف

محمدجواد علیپور خطبه شششنبه یکی از خطبه های مشهور نهج البلاغه است که در آن، امیرمؤمنان علی^ع به شرح بخشی از حوادث پس از رحلت پیامبر^ص و روند خلافت می پردازند. این خطبه در منابع شیعی، جایگاهی ویژه دارد و از دیرباز مورد شرح و تفسیر قرار گرفته است. در خوانش امروزی، می توان آن را نه تنها سندی تاریخی، بلکه دعوتی به تأمل در مفاهیمی چون حق، صبر، مسئولیت و وحدت امت اسلامی دانست. امام^ع در آغاز می فرماید: «وَإِنَّ الْفُلَانَ تَقَمَّضَهُ»، یعنی فلائی، خلافت را چون جامه ای بر تن کرد، درحالی که می دانست جایگاه من در خلافت، همچون محور آسیاب است: «وَوَإِنَّ يَغْلُمُ أَنْ مَعْلَى مِنْهَا مَعْلَى الْفُلْطِ مِنْ الرَّحَى». این تشبیه، هم جایگاه علمی و معنوی امام^ع را نشان می دهد و هم از باب انصاف، دآوری نهایی درباره اشخاص را به خدا و تاریخ وامی گذارد. امام سپس از صبر خود می گویند: «فَأَمْسَكْتُ يَدِي وَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ أَخْكَمُ» دست نگه داشتم و شکیبایی را خردمندانه تر یافتم.

این صبر، نه پذیرش بی تفاوتی، بلکه صبوری آگاهانه بود: «كَالْشَّجِي فِي الْخُلُقِ وَالْغَاشَاكِي فِي الْعَيْنِ». او می دید که میراثش به غارت می رود، اما وحدت امت را بر تاخت و تاز قدرت ترجیح داد. آن گاه با اشاره به شورای شش نفره می فرماید: «فَأَنَّ الْقَوْمَ قَوَّموُنِي لِلدَّيْ» مرا هم سنگ کسانی شمردند که هرگز همتای من نبودند.» این اعتراض، اعتراضی به جایگاه علمی و سابقه اوست، نه ناسازبا به افراد.

حتی وقتی از خلیفه سوم می گویند: «فَقَامَ الثَّالِثُ» تَبْلِغُ الْخِصَامِ»، لحن ایشان، نقد رفتار سیاسی است، نه دشنام شخصی. نکته مهم آن است که امام در همین خطبه، تصریح می کنند اگر نبود حضور انبوه مردم و پیمان الهی از عالمان، «لَأَتَّبَعْتَ خَلْفَاءَ عَلِي غَايِبَهُا»، مهار خلافت را رها می کرد. این نشان می دهد که مسئولیت پذیری او برای حفظ کیان امت اسلامی، بر مصلحت شخصی مقدم بوده است. خطبه شششنبه را باید در بستر تاریخ و با زبان انصاف خواند. این خطبه، سند مظلومیت امام علی^ع است، اما هم زمان درس صبر، وحدت و پرهیز از تفرقه را نیز به مسلمانان می آموزد. امروز که جهان اسلام بیش از هر زمان به همدلی نیاز دارد، خوانش این خطبه باید به تقویت برادری اسلامی کمک کند، نه دامن زدن به شکاف های رفقه ای.



احکام

بررسی حکم شرعی ورزش

و موسیقی حرام در باشگاه‌ها

سمانه رضوانی ورزش یکی از نیازهای اساسی جسم و روان انسان است و بسیاری از افراد برای حفظ سلامت خود به باشگاه‌های ورزشی مراجعه می‌کنند. اما یکی از دغدغه‌های مهم برای متدینان، پخش موسیقی در این مکان‌هاست. در اسلام، موسیقی به دو دسته حلال و حرام تقسیم می‌شود. موسیقی حلال، آهنگی است که متناسب با مجالس لهو و گناه نباشد و انسان را به گناه سوق ندهد. درمقابل، موسیقی حرام یا لهوی، آهنگی است که مناسب مجالس لهوولعب است و موجب غفلت از یاد خدا و میل به گناه می‌شود. حالا سؤال این است که باتوجه به پخش این‌گونه موسیقی‌ها در سالن‌های ورزشی، آیا باید ورزش را کنتر گذاشت و حکم شرکت در این باشگاه‌ها چیست؟

شهید آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای: به‌هرحال اصل حضور در باشگاه (اگر تأیید گناه محسوب نشود) اشکالی ندارد، اما باید از گوش دادن به موسیقی حرام، اجتناب کرد و با رعایت شرایط و مراتب به وظیفه نهی ازمنکر عمل نمود.

آیت‌الله العظمی سیدعلی سیستانی: ورزش اشکالی ندارد و موسیقی اگر لهوی باشد، گوش دادن به آن جایز نیست. **نتیجه:** براساس نظر هر دو مرجع، اصل ورزش کردن و حضور در باشگاه اشکالی ندارد. اما گوش دادن به موسیقی حرام، جایز نیست، بنابراین لازم است در صورت پخش موسیقی حرام، از گوش دادن به آن اجتناب شود و در صورت امکان، با رعایت شرایط و مراتب نهی ازمنکر، تذکر داده شود. همچنین می‌توان با انتخاب ساعتی که موسیقی پخش نمی‌شود یا استفاده از هدفون و گوش بند، از گوش دادن به موسیقی حرام پرهیز کرد. درنهایت، کنار گذاشتن ورزش به‌خاطر این مشکل ضروری نیست، بلکه باید با تدبیر و رعایت احکام شرعی، هم به ورزش ادامه داد و هم از گناه دوری کرد.

شکر



معارف

بررسی ظرفیت‌های مدرسه برای پاسخ به دغدغه‌های دینی اخلاقی خانواده

در گفت‌وگو با اصغرزاده رئیس اداره قرآن، عترت و نماز آموزش وپرورش خراسان رضوی

از مدرسه به آسمان پل بزنیم



اگرچه خانواده به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین نهاد تربیت انسان در رشد اخلاقی و مذهبی او نقشی بی‌بدیل دارد، از جایی به بعد، نهادها و گروه‌های دیگری هم به دایره این انژگذاری وارد می‌شوند؛ مثل مدرسه که درکنار آموزش دروس و ارتقای علمی مهارتی دانش آموزان، در پرورش اخلاق و دین‌مداری و آراستگی به تقوای آن‌ها نیز بسیار مؤثر است؛ به همین سبب هم خانواده و جامعه درباره این رسالت، از مدرسه سؤال می‌کنند. در بررسی ابعاد این ظرفیت و چگونگی فعال کردنش با سیداسماعیل اصغرزاده، رئیس اداره قرآن، عترت و نماز آموزش وپرورش خراسان رضوی، گفت‌وگو کرده‌ایم.

آمنه مستقیمی

فعال فرهنگی و روزنامه‌نگار

مدرسه، ظرفیت چشمگیری برای تربیت دینی دارد

مدارس، ظرفیت چشمگیری برای پاسخ به دغدغه‌های دینی خانواده‌ها در تربیت دانش آموزان دارند و تمام سعی دستگاه تعلیم و تربیت برای افزایش این ظرفیت است؛ برای همین هم در شعار سال جدید تحصیلی، علاوه بر عدالت آموزشی، وزیر آموزش وپرورش مسئله هویت را نیز اضافه کرده است که وظیفه مشخصی را برای دستگاه تعلیم و تربیت، تعریف می‌کند. یکی از چالش‌های اصلی در تربیت دینی دانش آموزان، کمبود نیروی انسانی ماهر به سبب بازنشستگی نیروهای باتجربه است که برای رفع آن با نهاد های فرهنگی مثل سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه های علمیه، ارتباط برقرار شده است و حضور طلاب امین، ائمه جماعات، مبلغان و نیروهای جهادی در مدارس برای پاسخگویی به شبهات دانش آموزان، دربی همین تعاملات صورت می‌گیرد.

بچه‌ها را به سمت نماز واقعی هدایت کنیم

برای انس دانش آموزان با نماز و تأثیر این انس بر اخلاق، تقوا و سبک زندگی آن‌ها، نیاز به اقامه واقعی نماز داریم. اگر نماز واقعی برگزار و اقامه شود، یعنی بتوانیم اهمیت و جایگاه نماز را زنده کنیم، قطعاً نه فقط بر تعلیم و تربیت آن‌ها بلکه بر تمام ابعاد زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد. خوشبختانه ظرفیت آموزش وپرورش برای تربیت دینی نسل آینده، کاملاً مهیاست و با افزایش نیروی انسانی ماهر و برگزاری دوره‌های آموزشی برای همکاران، روزه روز این اقدام، پررنگ‌تر خواهد شد.

تربیت نسل باورمند، مسئولانی معتقد می‌خواهد

برگزاری نمازهای باشکوه و تأثیرگذار در مدارس که بتواند نسل جدید را هدایت و آن‌ها را مقابل آسیب‌ها مصون کند، به مدیران و فعالان فرهنگی معتقد و باورمند نیاز دارد تا با عزم و همت آن‌ها، تمام ظرفیت‌های دستگاه تعلیم و تربیت پای کار نماز بیاید. دومین عامل مؤثر در انس دانش آموزان با نماز و مفاهیم دینی، فضای مطلوب و زیرساخت‌های فیزیکی مثل نمازخانه مناسب در مدارس است. تداخل نداشتن ساعت نماز با ساعت کلاس‌های درسی، مکان تمیز و زیبا و تجهیزات مناسب، عظمت و اولویت نماز را بیشتر به دانش آموزان نشان می‌دهد.

نقش کلیدی امام جماعت در جذب دانش آموزان

از مؤثرترین عوامل در فعال کردن ظرفیت دینی اخلاقی مدرسه به ویژه در موضوع انس دانش آموزان با نماز، روحانی و امام جماعت است، روحانی‌ای که روابط عمومی خوب و توان جذب دانش آموزان را داشته باشد. می‌تواند با صحبت‌های قبل و بعد از نماز، نوجوان را به نماز جذب کند. همچنین مربیان و معاونان پرورشی با مهارت برگزاری نماز، می‌توانند تأثیرگذار باشند. در این میان، نباید از کنشگری خود دانش آموزان غفلت کرد. تأثیرگذاری هم سالان یکی از مهم‌ترین عوامل است. اگر برای دانش آموزان مأموریت تعریف کنیم و تشویق‌های مناسب در نظر بگیریم، تأثیر چشمگیری در جذب آن‌ها به حضور در نماز جماعت و انسشان با نماز و رشد دیگر مؤلفه‌های مذهبی در اخلاق و رفتار آن‌ها دارد.

فقط مدرسه، نهاد تأثیرگذار در فرهنگ نیست

در پاسخ به این سؤال که باوجود ظرفیت خوب مدارس برای رشد مذهبی دانش آموزان، چرا برخی از آن‌ها انس کافی با نماز ندارند، باید گفت، آموزش وپرورش تنها نهاد تأثیرگذار در فرهنگ نیست، فضای مجازی، رسانه‌ها و فضای اجتماعی و جامعه و دیگر نهاد‌های متولی امر، رقبا ی قدرتمندی هستند که حتی در برخی مواقع، تأثیرشان از مدرسه بیشتر است، لذا عوامل متعددی برای اهتمام جدی نداشتن دانش آموزان به نماز وجود دارد که تأثیر اعتقادی آموزش وپرورش را کم می‌کند، درصدی از این بی میلی مربوط به مدرسه است، اما درصد زیادی، فراتر از مدرسه است و باید از سایر متولیان فرهنگ جامعه، کمک خواست تا نسلی مفید به احکام و آداب دینی تربیت شود.

مدرسه باید با مسجد در ارتباط باشد

از ابتکارات مؤثر آموزش وپرورش در تربیت دینی اخلاقی دانش آموزان، اجرای طرح «سه میم» ویژه پیوند مدرسه، مسجد و منزل است. مسجد در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، محل ظهور و بروز بسیاری از مهارت‌ها و استعدادها بود، اما متأسفانه امروز مثل گذشته به آن توجه نمی‌شود، البته آموزش وپرورش تلاش جدی می‌کند که این ظرفیت دوباره فعال واحیا شود تا در این فضا، هویت دینی نسل آینده تقویت شود. از این‌رو امسال بیش از ۴۰۵ مسجد در استان، میزبان دانش آموزان در اوقات فراغت تابستانی بودند و علاوه بر این، برنامه ریزی ویژه‌ای برای تقویت ارتباط مدارس با مساجد فعال در دست‌وکار است. اکنون که دانش آموزان در اجتماعات مردم مبعوث نقش پررنگی دارند، تلاش بر آن است که این ظرفیت را تقویت کنیم و این حضور اجتماعی در بستر مساجد را استمرار بدهیم.

مدارس از ظرفیت‌سازی زیارت، غافل نشوند

از ظرفیت‌های مهم در تربیت و پرورش دانش آموزان، ایجاد انس و ارتباط آن‌ها با اهل بیت^ع از طریق طرح‌هایی مثل «مصباح الهدی» و نیز زیارت است. از این‌رو در استان خراسان رضوی با هماهنگی استان قدس رضوی، برنامه‌های متنوعی برای نوجوانان طراحی و اجرا می‌شود، چنان‌که جشن تکلیف بیش از ۷۰ درصد دختران مقطع ابتدایی مشهد در حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا^ع برگزار می‌شود. علاوه بر این، طرح‌هایی مثل «نیمروز در بهشت» و زیارت‌های منظم و آگاهانه با مشارکت استان قدس رضوی برنامه‌ریزی شده است، چون هر قدر این فضای تعاملی و مشارکتی پررنگ‌تر شود، حضور دانش آموزان در حرم، تأثیرگذارتر و آثار این ارتباط بر آن‌ها عمیق‌تر خواهد بود. در این میان، نباید از تأثیر رسانه‌ها در تبدیل دغدغه تربیت دینی به یک مطالبه عمومی ازسوی خانواده‌ها غافل شد، به‌ویژه که رسانه‌های می‌توانند به فعالیت‌های اعتقادی در دستگاه تعلیم و تربیت، اولویت ببخشند.

سیداسماعیل اصغرزاده: آموزش وپرورش تنها نهاد تأثیرگذار در فرهنگ نیست؛ فضای مجازی، رسانه‌ها و فضای اجتماعی و جامعه و دیگر نهاد‌های متولی امر، رقبای قدرتمندی هستند که حتی در برخی مواقع، تأثیرشان از مدرسه بیشتر است

ایمان؛ فراتر از ادعا

ذهنی، امری طبیعی است. اما ایمان استوار، آن است که اساس باور فرد را در تلاطم حوادث متزلزل نکند. یقین، آن قلعه‌ای است که باورهای انسان را در برابر طوفان‌های شبهات و ناملامیات، مصون نگاه می‌دارد. سومین و شاید سخت‌ترین آزمون ایمان، «مجاهده با جان و مال» است. در اینجا ایمان از کلام و اعتقاد قلبی خارج و به میدان «عمل» و «فداکاری» وارد می‌شود. وقتی پای دفاع از حق، دین و انجام وظیفه الهی درمیان است، مؤمن دیگر حسابگر نیست. آفت ایمان نیم‌بند، «محاسبه‌گری» است؛ اینکه دائم بسنجیم چه مقدار از مال یا وقت خود را هزینه کنیم که به آسایش مالمطه‌ای وارد نشود. اما نگاه ایمانی، معکوس این معادله است. انسان مؤمن، دنیا را نه هدف نهایی، که مزروعی‌ای می‌بیند که باید در آن برای ابدیت، بذر کاشت، مصداق بارز و ملموس این ایمان، در خانواده‌های شهیدان نمود یافته است. والدینی که با گذشتن از عزیزترین سرمایه‌های

کلیدی‌ترین این لوازم، «وحی» است. نمی‌توان مدعی ایمان به خدا شد، اما نسبت به دستورات و هدایت‌های وحیانی، بی‌تفاوت یا منتقد بود. بسیاری از چالش‌های رفتاری ما از همین جا آغاز می‌شود، جایی که احکام الهی با «میل شخصی» یا «مصلحت‌اندیشی‌های دنیوی» مادر تعارض قرار می‌گیرد. اگر کسی فقط آن بخش‌هایی از دین را بپذیرد که با خواسته‌هایش هم خوانی دارد، درواقع به هدایت الهی ایمان نیاورده است، بلکه به امیال خویش ایمان دارد. باور به وحی یعنی پذیرش نقشه راهی که ازسوی خالق برای پیمودن مسیر سعادت ترسیم شده است؛ حتی اگر این نقشه با سلیقه ما ناسازگار باشد. دومین شاخص، «تردید ناپذیری» است. ایمان متزلزل، با هر نسیم مخالف و هر پریشی در برابر پدیده‌ها یا طبیعی یا وقایع زندگی، فرو می‌ریزد. مؤمن حقیقی، از مرحله «شک» عبور کرده و به ساحل «یقین» رسیده است. البته مواجهه با پرسش‌های

در ترازوی عمل، «ایمان» واژه‌ای است که تکرار آن در کلام، ساده می‌نماید اما تبدیل آن به حقیقت جاری در جان و زندگی، نیازمند عبور از پیچ‌های تندی است. بسیاری از ما در طول زندگی، عنوان «مؤمن» را بر پیشانی باورهای خود می‌زنیم. اما آیا این عنوان، تنها یک ادعای زبانی است یا واقعیتی است که در شریان‌های رفتار ما جریان دارد؟ قرآن کریم، کتاب برنامه‌ساز زندگی، برای این پرسش بنیادین، پاسخ‌هایی صریح و معیارهایی مشخص دارد. در میان آیات الهی، آیاتی وجود دارند که نقش «میزان» را ایفا می‌کنند، شاخص‌هایی که می‌توانیم با مراجعه به آن‌ها، عیار بندگی و پیوند خود با پروردگار را بسنجیم. نخستین معیار سنجش ایمان، مرز میان «دانستن» و «باور داشتن» است. ایمان به خدا، صرفاً تصویری ذهنی از وجود خالق نیست. باور، مرحله‌ای فراتر از دانستن است، چراکه دانستن، در لایه اطلاعات باقی می‌ماند. اما باور، رفتار را مدبرشد می‌کند. مؤمن واقعی کسی است که وقتی خدا را به عنوان خالق و مدبر هستی پذیرفت، لوازم این پذیرش را نیز می‌پذیرد.

خطبه

خود، حتی پس از فقدان فرزندشان نیز، همت و توان خود را صرف اعتلای آرمان‌های الهی کردند. نمونه‌های زنده از تحقق ایمان در عمل هستند. در قلموس ایپان، مال و جان، ابزاری برای رسیدن به قرب الهی است. نه سدی برای حفظ منافع شخصی. بنابراین، اگر می‌خواهیم بدانیم چقدر به حقیقت «ایمان» نزد یک شده ایم، باید به سبک زندگی خود نگاه کنیم. اگر در هنگام عمل، همچنان در حال سبک‌سنگین کردن منافع دنیوی خود هستیم و حاضر نیستیم در مسیر خداوند هزینه‌ای بپردازیم، باید در ادعای خدااباوری خود تأمل کنیم. ایمان، حقیقتی نیست که در بایگانی ذهن و شعارها حبس شود، ایمان، نور متجلی در رفتار، سخاوت در بخشش و صلابت در انجام وظیفه است. ایمان، زمانی از پوسته ادعا خارج می‌شود که «خدا»، محور اصلی محاسبات ما در تمام شئون زندگی باشد.

برگفته از خطبه‌ای نماز جمعه مشهد به امامت آیت‌الله سید احمد علم‌الهدی تنظیم، حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی